



نگاهی جدید به رابطه‌ای قدیمی: اشتغال و رشد اقتصادی

ارتباط میان اشتغال و رشد اقتصادی همواره برای کشورها به صورت یک خط مستقیم و رابطه یک به یکی نیست، البته این موضوع بدین معنا هم نیست که رابطه ای میان این دو متغیر وجود ندارد.

برخی اقتصاددانان ارتباط میان رشد و اشتغال را از طریق قانون اوکان^۱ دنبال می‌کنند که می‌گوید رشد بیشتر منجر به بیکاری کمتر می‌شود. بر اساس این قانون، ارتباط خطی میان تغییرات بیکاری و تغییرات تولید ناخالص ملی وجود دارد و به ازای هر واحد درصدی که نرخ بیکاری کاهش می‌یابد، GNP واقعی ۳ درصد افزایش پیدا می‌کند. این قانون بر اساس داده های دوره زمانی بین جنگ جهانی دوم و ۱۹۶۰ پایه گذاری شد و اوکان تاکید می‌کند که این قانون تنها برای نرخ بیکاری بین ۳ تا ۷.۵ درصد که در آن زمان تجربه شد، صحیح است. این قانون نیز مانند بسیاری از قوانین اقتصادی بر اساس یک مشاهده تجربی است.

نتایج پژوهش جدیدی که صندوق بین‌المللی پول درباره قانون اوکان و ارتباط میان رشد اقتصادی و اشتغال در گروهی از کشورهای پیشرفته و نوظهور انجام داده است، نشان می‌دهد در طول یک دوره یک ساله، چگونگی واکنش اشتغال به رشد GDP در کشورهای مختلف متفاوت بوده است.

در برخی از کشورها، با افزایش رشد اقتصادی، اشتغال افزایش و بیکاری کاهش می‌یابد. پاسخ برخی کشورها به این موضوع مسکوت است. افزایش رشد از طریق تحریک سمت تقاضای اقتصاد، به عنوان مثال؛ افزایش مخارج دولت در زیرساخت، منجر به ایجاد مشاغل بیشتری می‌شود.

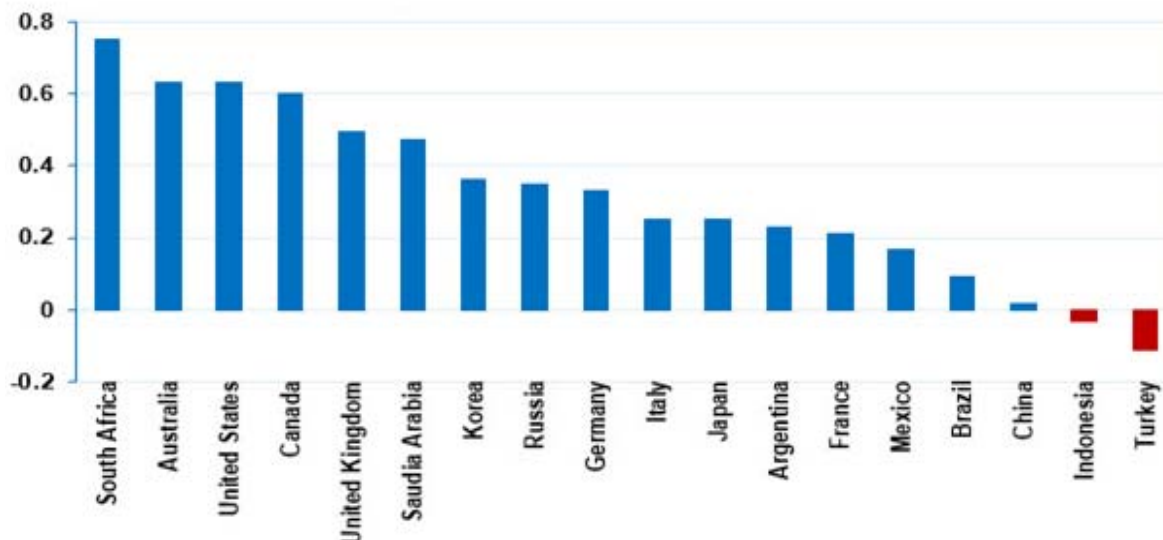
برخی از کشورها در مقایسه با سایر کشورها، اشتغال بیشتری از رشد اقتصادی ایجاد می‌کنند

میزان ایجاد شغل به واسطه رشد اقتصادی کوتاه مدت در کشورهای مختلف متفاوت است. نمودار ۱ نشان می‌دهد زمانی که رشد در کشورهای مختلف افزایش می‌یابد، افزایش اشتغال تا چه خواهد بود.

علی‌رغم برقراری نسبی رابطه قانون اوکان برای کشور آمریکا، رابطه بین بیکاری و رشد اقتصادی از سال ۲۰۱۱ از روند بلند مدت آن بدلیل عمق و شدت رکود منحرف شد و ادامه بحران های مالی سال ۲۰۰۸ منجر شد تا بسیاری از مردم مشاغل خود را از دست بدهند.

^۱ Okun's Law

نمودار ۱- رشد اشتغال به ازای یک واحد درصد رشد اقتصادی در کشورهای مختلف



Source: Loungani and Mishra (2016).

- ❖ در آفریقای جنوبی، استرالیا و کانادا، یک درصد افزایش در GDP همراه با افزایش ۰.۶ درصدی یا بیشتر در اشتغال است، اما در کشورهای چین، اندونزی و ترکیه تقریباً هیچ پاسخی از سمت اشتغال به رشد اقتصادی وجود ندارد.
- ❖ حد تغییراتی که به واسطه رشد GDP در اشتغال ایجاد می شود، در کشورهایی مختلف متفاوت است. در کانادا و امریکا، رشد GDP می تواند با ۷۰ درصد تغییر در اشتغال همراه شود. این درصد برای کشورهای روسیه، استرالیا و انگلستان حدود ۴۰ درصد و در سایر کشورها خیلی کم است.
- ❖ برای اغلب کشورهای جهان، در نظر گرفتن رشد، بخش مهمی از درک تغییرات کوتاه مدت بیکاری است. در سایر کشورها، توضیحات احتمالی متفاوتی برای رابطه میان رشد و اشتغال وجود دارد. در برخی موارد، نرخ بیکاری گزارش شده ممکن است کاملاً منعکس کننده نرخ بیکاری واقعی نباشد. برخی کشورها به سمت تغییر ساختاری سریع پیش می روند و بیکاری به جای اینکه از نوسانات کوتاه مدت حاصل شده باشد، ممکن است از روند بلندمدت ناشی شده باشد.



شما نمی توانید یکی را بدون دیگری داشته باشید!

- ❖ این سوال پیش می آید که رشد از کجا می آید؟ پاسخ آن در هر دو طرف عرضه و تقاضا در اقتصاد پیدا می شود. به عنوان مثال، اگر شرکت ها به دنبال بهبود فروش خود نباشند، ظرفیتشان را برای تولید بیشتر افزایش نمی دهند، بنابراین ضروری است برای تداوم عرضه از وجود تقاضا اطمینان حاصل شود، اما بدون اقدامات بخش عرضه، سود ستانده ای که صرفاً بر تحریک تقاضا متکی باشد، دائمی نخواهد بود. طیف اقدامات بخش عرضه، متفاوت است. در بسیاری از کشورها، یک ادعای قوی برای افزایش هزینه زیرساخت عمومی وجود دارد که در کوتاه مدت افزایش مورد نیاز تقاضا را به همراه دارد و به بخش عرضه نیز کمک می کند.
- ❖ تمام این ها بدان معنی است که کشورها نیاز به استفاده از همه سیاستها- پولی، مالی و ساختاری- برای به حداکثر رساندن رشد دارند. این رویکرد "سه جانبه" فضای سیاستی را آزادتر خواهد کرد (فضای بیشتری برای اقدام).

منابع:

- <https://www.weforum.org/agenda/2016/11/a-new-look-at-an-old-relationship-jobs-and-economic-growth>
- <http://www.econlib.org/library/Enc/bios/Okun.html>